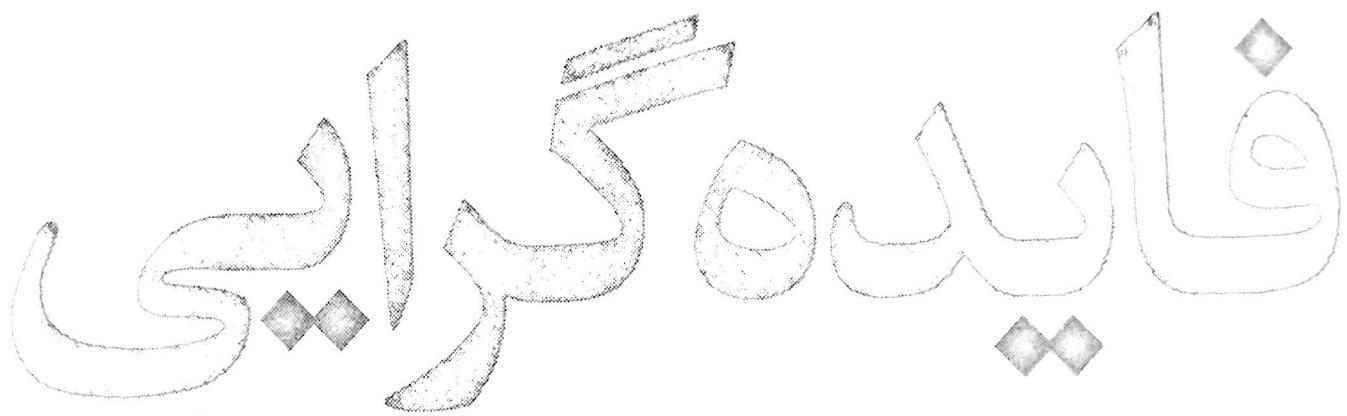


جان استیوارت میل



ترجمه و تعلیق
مرتضی مردیها

فهرست کوتاه مطالب

۷	فهرست تفصیلی مطالب
۲۱	مقدمه مترجم
متن کتاب فایده‌گرایی جان استیوارت میل	
۴۳	فصل اول. ملاحظات کلی
۵۳	فصل دوم. فایده‌باوری چیست؟
۹۱	فصل سوم. درباره الزام بنیادین اصل فایده
۱۰۷	فصل چهارم. درباره نوع دلیلی که بهنفع اصل فایده می‌توان انگیخت
۱۲۱	فصل پنجم. درباره ربط میان عدالت و فایده
۱۶۳	افزوده مترجم
۱۶۵	درآمد
۱۶۹	خوب و خواستنی
۱۸۷	لذت برتر و فروتر
۲۰۳	خوبیخانی فرد یا همه
۲۱۳	فایده‌گرایی عمل و قاعده
۲۲۳	مغالطه و استدلال
۲۴۹	سخن آخر
۲۵۳	پی‌نوشت‌ها
۲۵۷	منابع
۲۵۹	نمایه

فهرست تفصیلی مطالب

مقدمه مترجم ۲۱

- درباره موضوع ۲۱
- درباره کتاب ۳۲
- درباره ترجمه ۳۷
- درباره نویسنده ۴۰

متن کتاب فایده‌گرایی جان استیوارت میل

فصل اول

ملاحظات کلی ۴۳

بندهای ۱-۳ از فصل اول

مسئله اخلاق و اختلاف نظرهای بنیادین

۱/۱ مشکل اصل بنیادین اخلاق پس از دوهزار سال باقی است.

۱/۲ در علوم هم این مشکل البته هست اما از اهمیت عملی کمتری برخوردار است.

۱/۳ شهودگرایی و قوه طبیعی اخلاقی نوری بر این تاریکی نمی‌پراکنند.

بند ۴ از فصل اول

تأثیر انکارناپذیر فایده‌گرایی بر اخلاق

۱/۴ حتی مخالفان فایده‌گرایی هم استدلال‌های فایده‌گرایانه دارند.

بندهای ۶-۵ از فصل اول

موضوع کتاب حاضر

- اقامه دلیل مستقیم به نفع هیچ مدعایی از این دست مقدور نیست.
- مبانی عقلانی ای که در رد و قبول ایده فایده مؤثرند.

فصل دوم

۵۳ فایده‌باوری چیست؟

بندهای ۱-۲ از فصل دوم

در فایده و فایده‌باوری
۲/۱ انتقاد اول آیا فایده‌گرایی مستلزم طرد لذت است؟ برخی، باشتباه، واژه فایده را در معنای محاوره‌ای آن، که نقطه مقابل لذت است، به کار می‌برند.
۲/۲ فایده‌گرایی لذت‌گرایی است؛ مسلکی که فایده، یا اصل بیشترین خوشبختی، را به عنوان مبنای اخلاقیات می‌پذیرد، بر این باور است که اعمال درست‌اند به تناسبی که به افزایش خوشبختی گرایش دارند، نادرست‌اند به تناسبی که به افزایش ناخوشبختی گرایش دارند. منظور از خوشبختی، لذت و نبود رنج است؛ و منظور از ناخوشبختی، رنج و محرومیت از لذت است.

بندهای ۳-۹ از فصل دوم

از کیفیت لذات

۲/۳ انتقاد دوم آیا فلسفه فایده‌گرایی، اخلاقی شایسته خوک‌ها است؟
۲/۴ اتهام مذکور فرض را بر این می‌گذارد که موجودات بشری ظرفیت هیچ نوع لذتی به جز آنچه را که خوک مستعد آن است، ندارند؛ از منظر فایده‌گرایی انسان ظرفیت لذاتی بسیار فراتر از حیوانات دارد؛ هیچ نظریه اپیکوری زندگی شناخته نشده است که برای لذت‌های فکر، احساس و تخیل، و لذت‌های راجع به احساسات اخلاقی، ارزشی بالاتر از لذات حسی صرف مقرر نکرده باشد.

۲/۵ معیار سنجش لذات کیفی ترجیح کسانی است که تجربه لذت کیفی و لذت معمولی را دارند.

۲/۶ کسانی که تجربه هر دو سطح لذت را داشته باشند، آنی را مقدم می‌دارند که ظرفیت‌های برتر آنان را به کار می‌گیرد؛ تعداد کمی از انسان‌ها ممکن است به این رضایت دهنده به حیوانات فرودست‌تری تبدیل شوند، تا، در مقابل، امکان بهره‌وری بیشتری را از لذات حیوانات پیدا کنند؛ کسانی اصل فوق را رد می‌کنند که در نمی‌یابند خوشبختی از رضایت متمایز است. بهتر است انسانی ناراضی باشیم تا خوکی راضی‌؛ سه اما .

- ۲/۷ کسی ترجیح لذت برتر بر لذت فروتر را از روی اراده برنمی‌گزیند.
- ۲/۸ داور نهایی در کم و کیف لذات رأی افراد باتجربه است.
- ۲/۹ دفاع فایده‌گرایی از بزرگمنشی بهدلیل فایده آن برای جامعه است نه لزوماً برای خود شخص.

بندهای ۱۰-۱۴ از فصل دوم

در امکان و بایستگی بختِ خوش

۲/۱۰ بر طبق اصل بیشترین خوشحالی و شادکامی، مقصد نهایی عبارت است از زیستنی تا حد ممکن فارغ از درد و رنج، و تا حد ممکن سرشار از لذت و خوشی، هم به لحاظ کمیت و هم از حیث کیفیت.

- ۲/۱۱ انتقاد سوم آیا خوشبختی ناممکن است؟
- ۲/۱۲ شادکامی معتدل و خصوصاً حذر از رنج کاملاً ممکن بلکه تا حدود زیادی متداول است؛ زندگی خوشبخت زندگی ای است که لذت‌های بسیار و متنوعی دارد، به دردهایی اندک و گذرا هم آمیخته است و در آن غلبهٔ جدی با فعالیت نسبت به انفعال است.
- ۲/۱۳ رضایت و خرسندي از زندگی ترکیبی از آرامش و هیجان است؛ احساس خوشبختی تا حدودی به خود ما بستگی دارد؛ یک ذهن فرهیخته سرچشمehای پایان‌ناپذیر علاقه و کشش را در هر آنچه اطراف او است، می‌یابد.
- ۲/۱۴ اخلاقی تر شدن انسان‌ها و دوری از خودخواهی به تناسب رشد فرهنگ مقدور است. خوشبختی به پیشرفت در آموزش عمومی، ساماندهی امور اجتماع و مبارزه با آفاتی چون فقر و بیماری و فقدان وابسته است.

بندهای ۱۵-۱۸ از فصل دوم

در چشم‌پوشی و فداکاری

- ۲/۱۵ انتقاد چهارم آیا فایده‌گرایی منافی فداکاری است؟ نه، اما فداکاری فقط به شرط فایده‌مندی برای دیگران دارای ارزش اخلاقی است.
- ۲/۱۶ در شرایطی که سامان اجتماعی دچار نقص است، فداکاری بالاترین فضیلت اخلاقی است؛ آمادگی ذهنی برای زندگی بدون خوشی است که زمینه‌ساز امیدواری در جهت نیل به خوشی‌های دسترس است.
- ۲/۱۷ فایده‌گرها نباید از این ادعاهای بردارند که اخلاق فداکاری همان‌قدر در حوزهٔ نفوذ و مربوط به آن‌ها است که متعلق به رواقیان یا استعلاییان.
- ۲/۱۸ معیار فایده‌گرایانه رفتار درست، فقط خوشی خود فرد نیست، بلکه شادمانی همه است؛ فایده‌گرایی فرد را ملزم می‌کند که در جمع میان شادکامی خود و شادکامی دیگران، همچون یک ناظر بی‌طرف و نیکوکار، منصف باشد؛ قانون و تربیت در تشویق شهر و ند به جمع میان منافع خود و منافع کل کارساز است.

بند ۱۹ از فصل دوم

از تکلیف فوق طاقت

۲/۱۹ انتقاد پنجم آیا آرمان فایده‌گرایی بیش از حد متعالی و فراتر از ظرفیت بشریت است؟
اخلاقی بودن عمل ربطی به انگیزه عامل ندارد؛ در کار خیر نیت خیر شرط است ولی
انگیزه خیر نه. برای این که فعلی اخلاقی باشد، کافی است که قاعدة وظیفه آن را محکوم
نکند؛ اصل فایده غالباً در محدوده کوچکی به کار بسته می‌شود.

بندهای ۲۰-۲۱ از فصل دوم

در سردی و بی‌روحی فایده

۲/۲۰ انتقاد ششم آیا حقیقت دارد که فایده‌گرایی با تأکید صرف بر محاسبه نفع، به احساس
اخلاقی افراد بی‌اعتنای است؟ اشکال انتقاد فوق در برآمیختن معیار اخلاقی بودن فعل و
فضیلت‌مندی فاعل است.

۲/۲۱ اگر اعتراض متوجه این باشد که برخی فایده‌گرایان به بعضی وجوده شخصیتی افراد
و وجوده زیبایی‌سناختی فضایل توجه کافی نمی‌کنند، ایراد وارد است؛ با این حال، آن‌ها
وجه اهم را تأکید کرده‌اند.

بند ۲۲

از بی‌خدابی فایده

۲/۲۲ انتقاد هفتم آیا فایده‌گرایی یک اخلاق بدون خدا است؟ فایده‌گرایی، هم با باور به خدا
به عنوان موجودی مهریان قابل جمع است، هم می‌تواند تفسیری فایده‌انگار از اخلاقیات
وحی به دست دهد.

بند ۲۳

این مصلحت نیست

۲/۲۳ انتقاد هشتم آیا فایده‌گرایی اخلاق سود و مصلحت شخصی است؟ مصلحت شخصی
و مصلحت همگانی وقت، هر دو منافی اخلاق فایده است؛ جنگ فایده و مصلحت
جنگ سطوح توبرتوی منفعت جمیعی است.

بند ۲۴

میان اصل نخست و اخلاق مرسوم

۲/۲۴ انتقاد نهم آیا ما پیش از دست زدن به هر عملی فرصت کافی برای محاسبه منافع
عمومی آن داریم؟ قواعد اخلاق مرسوم حاصل تجربه بشریت درباره خوبشیختی است؛
پس کاربرد معیار فایده‌گرایانه اخلاق مستلزم این نیست که در هر موردی علی الرأس
بیندیشیم که، با معیار بیشترین شادمانی، کدام کار اخلاقی است

بند ۲۵

بدون سوء استفاده ۲/۲۵ اینقاد دهم آیا اخلاق فایده‌گرا بیش از سایر نظام‌های اخلاقی در معرض خطر زمینه دادن به دغلکاری است؟ این که قواعد رفتار نمی‌توانند چنان چفت و بست‌دار باشند که استثنای پیذیرند، این نقص هیچ آموزه‌ای نیست، بلکه نتیجه طبیعت پیچیده امور انسانی است؛ در عین حال، از میان آموزه‌ها فایده‌گرایی بهتر می‌تواند تعارض میان امور بایستنی تعارض قاعده و استثنارا حل کند.

فصل سوم

۹۱ درباره الزام بنیادین اصل فایده

بندهای ۱-۲ از فصل سوم

آن الزام اصلی

۳/۱ مسئله «الзам» (تعهد) بنیادین، این که ریشه بایستنی بودن اخلاقیات چیست، مسئله تمامی نظام‌های اخلاقی است.
۳/۲ پرسش و شک در مورد الزام بنیادین فایده‌گرایی وقتی برطرف می‌شود که تعلیم و تربیت عمومی حس انسانی مشترک را در آدمیان نیرومند کند.

بندهای ۳-۵ از فصل سوم

با الزام‌های بیرون و درون

۳/۳ قدرت الزام بیرونی، یعنی خوف و رجا، اعم از مادی و اخلاقی، و اعم از این که از خدا منشأ گرفته باشد یا از همنوعان، به همراه فداکاری بی‌غرضانه در حق دیگران، برای تقویت اخلاق فایده‌گرا دسترس است؛ و این به تناسبی نیرومندتر خواهد بود که تعلیم و تربیت و فرهنگ عمومی، بیشتر با این هدف تنظیم شده باشد.
۳/۴ ماهیت وجود اخلاقی چیست؟ رنجی کم‌بیش که در پی نقض تکلیف عارض می‌شود.

۳/۵ در خصوص پرسش «ریشه الزام این معیار اخلاقی خاص چیست؟» هیچ مخصوصه‌ای برای کسانی که معیارشان فایده است، نیست؛ همان‌چیزی که ریشه الزام تمامی معیارهای اخلاقی دیگر است احساسات وظیفه‌شناسانه بشریت.

بندهای ۶-۸ از فصل سوم

ریشه الزام درون

۲/۶ گرایشی به سوی این باور هست که کسی که در الزام اخلاقی یک واقعیت عینی که مربوط به دنیای «امور فی نفسه» است، مستعد این است که بسیار بیشتر سرسپرده آن باشد، تا

کسی که آن را سراسر امری ذهنی می‌بیند؛ اما اخلاق بسته به شدت احساسِ اخلاقی است نه واقعیتی بیرون ما؛ ذاتی انگاشتن الزام اخلاقی نیروی آنرا افزایش نمی‌دهد.

۳/۷ فرض فطری بودن اخلاق؛ اگر اصلی اخلاقی وجود داشته باشد که ماهیت تکلیفی بودن آن به نحو شهودی قابل درک باشد، باید همین اصل خوبشختی عمومی باشد؛ بنابراین، اگر عقیده به استعلایی بودنِ منشأ تکلیف اخلاقی، قدرتِ نفوذ علیحده‌ای به الزام درونی بدهد، اصل فایده‌گرا هم بهرهٔ خود را از آن ستانده است؛ احساس تعهد اخلاقی همان‌قدر به کمک فایده‌گرایی می‌آید که به کمک دیگر نظام‌های اخلاقی.

۳/۸ فرض ساختگی بودن اخلاق؛ با فرض صحتِ اصل فایده و فطری نبودن اخلاقیات، تمامی انواع بروزاتِ اخلاقی اعم از داشتنِ وجود اخلاقی معمولی، وجودان اخلاقی قوی، و توجیه خبات‌ها در پناه ظواهر اخلاقی، قابل تبیین است.

بندهای ۹-۱۱ از فصل سوم

بنیاد طبیعی اخلاق

۳/۹ در عین حال، آن احساس تکلیفی که به کلی ساختگی و بدون ریشه در طبع آدمی باشد هم در مقابل چون و چراهای عقلی دوام نمی‌کند و حتی به ضرب تعلیم و تربیت هم ریشه نمی‌گیرد؛ احساسات اخلاقی مادرزادی نیستند، اکتسابی‌اند، اما در عین حال طبیعی‌اند.

۳/۱۰ اخلاق فایده‌گرا پشتوانهٔ مستحکمی در احساس اجتماعی دارد که طبیعی بشر است؛ میل به زندگی در هماهنگی با همنوعان؛ زندگی دائم با دیگری، بر مبنایی به جز مساوات محال خواهد بود؛ اگر احساس یگانگی اجتماعی همچون یک دین آموزش داده شود، هیچ‌کس، بدگمانی‌ای نسبت به کفايتِ الزام بنیادین اخلاقِ خوبشختی نخواهد داشت؛ پیشرفت تمدن رو به سوی تقویت احساس اجتماعی دارد.

۳/۱۱ حس اجتماعی اگرچه به قدر کافی پیشرفت نکرده است، اما کم‌و بیش در هر فرد متعارفی وجود دارد؛ احساساتی که نیروی تعهد‌آفرین اخلاق فایده‌باور را تشکیل می‌دهد، می‌تواند نزد کسانی که به این اخلاق باور دارند، مطاع باشد، بدون این که لازم باشد آنان متظر سائق‌های اجتماعی‌ای بمانند که می‌تواند تکلیف اخلاقی فایده‌باوری را برای تمام انسان‌ها محسوس نماید.

فصل چهارم

درباره نوع دلیلی که به نفع اصل فایده می‌توان انجیخت ۱۰۷

بندهای ۱-۳ از فصل چهارم

شادی همچون معیار اخلاق

۱/۴ مسائل مربوط به اهداف نهایی (غایات و اپسین) مستعد استدلال در معنای رایج آن نیستند؛ نه در علم و نه در رفتار.

۴/۲ مدعای اصلی آموزه فایده‌گر این است که خوش‌حالی، و فقط خوش‌حالی، به عنوان غایت مطلوب است؛ تنها چیزی که به عنوان هدف و به خودی خود خواستنی است، خوشی است.

۴/۳ تنها نشانه‌ای که می‌توان عرضه کرد بر این که چیزی مطلوب است، این است که مردم واقعاً آن را می‌خواهند؛ خواستنی همان چیزی است که عملاً خواسته عموم مردم است؛ هیچ دلیلی نمی‌توان انگیخت که چرا خوشی و شادی عمومی مطلوب است، جز این که هر کسی خوشی و شادی شخص خود را طالب است؛ این حقیقت، تمام دلیلی است که ما می‌توانیم بر ادعای خود که خوب‌بختی خیر است، ارائه کنیم.

پندهای ۴-۱۲ از فصل چهارم

شادکامی و دیگر هیچ

۴/۴ همه خوب‌بختی، خوش‌حالی، شادکامی را می‌خواهند؛ هیچ کس چیزی جز خوب‌بختی را نمی‌خواهد؛ اما با این مشکل چه باید کرد که بسیاری البته فضیلت را هم می‌خواهند؟

۴/۵ فایده باوران می‌پذیرند که فضیلت به خودی خود خواستنی است؛ کسی فایده‌گر نیست مگر این که فضیلت را به شکل مطلوب فی‌نفسه، دوست بدارد؛ پذیرش این عقیده عبور از اصل خوب‌بختی نیست؛ فضیلت بخشی از هدف نیست، ولی مستعد این هست که به چنین چیزی تبدیل شود؛ فضیلت اصالتاً ابزار خوب‌بختی بوده است، اما به تدریج جزء خوب‌بختی شده است.

۴/۶ پول هم همین حکم را دارد؛ به همین نحو قدرت، شهرت و غیره؛ این‌ها اجزاء هدف واحد است که خوشی و لذت است؛ چیزهایی که اصالتاً مورد علاقه ما نیستند، ولی به سوی کامیابی مطلوباتِ نخستین ما راهبر می‌شوند، سرچشمۀ لذتی می‌شوند گرانبهاتر از خود آن لذات اولیه.

۴/۷ بر مبنای درک فایده‌گرایانه، هیچ خواهش اصلی نسبت به فضیلت وجود ندارد، هیچ سائقی به سوی آن سوق نمی‌دهد، به جز خاصیت هدایت‌گری آن به سمت لذت؛ اما به یمن پیوستگی‌ها و تداعی‌ها می‌تواند هم‌چون یک خیر فی‌نفسه احساس شود؛ فضیلت است که در میان خواستنی‌ها بیشترین مدد را به خوب‌بختی عمومی می‌رساند.

۴/۸ هیچ چیز به جز شادی و خوشی مطلوب نیست؛ مشاهدات روان‌شناسی نشان می‌دهد که لذت موضع منحصر میل است و در دُموضع منحصر پرهیز، و اگر فضیلت را برای خود فضیلت می‌خواهد یا به این سبب است که تصور داشتن آن یک لذت است، یا به این سبب که تصور نداشتن آن یک رنج است، یا به علت این هر دو با هم.

۴/۹ شادکامی غایتِ مفرد فعل بشری است، و ارتقای آن یعنی افزایش شادی، معیار داوری در باب تمامی رفتارهای انسانی؛ و از این، به ضرورت، نتیجه می‌شود که خوش‌حالی باید معیار اخلاقیات باشد؛ به این‌سان، فایده‌گرایی اثبات می‌شود.

۴/۱۰ تمایل به چیزی و لذید یافتن آن، تنفر از چیزی و دردآور پنداشتن آن، پدیده‌هایی غیرقابل تفکیک‌اند، یا بالاتر از این، دو وجه از یک پدیده واحداند؛ میل به چیزی، اگر متناسب با تصوری که از لذت آن داریم نباشد.

۴/۱۱ اشکالی که برخی ایراد می‌کنند این نیست که آیا به چیزی به جز شادکامی و لذت هم می‌توان میل داشت، بلکه این است که چیزی به جز شادکامی و لذت را هم می‌توان اراده کرد؛ می‌گویند اراده کردن غیر از میل داشتن است؛ اما، درواقع، اراده میلی است که بهسبب عادت قوی شده است.

۴/۱۲ برای برانگیختن اراده فضیلت خواه باید فضیلت را جذاب کرد؛ این دلیلی است بر این که فضیلت متعلق میل است؛ اما برای این که اعمال فضیلت‌مندانه بتواند به سهولت صادر شود، بهتر است فضیلت از ریشه اولیه خود که میل است کنده و به ریشه ثانوی یعنی عادت متصل شود؛ همین است رمز این که فضیلت نوابسته به میل بیشتر ستوده است.

فصل پنجم

درباره ربط میان عدالت و فایده ۱۲۱

بندهای ۱-۳ از فصل پنجم

مسئله عدالت

۵/۱ آیا عدالت، و میل ما به آن، با ملاحظات فایده‌گرایانه قابل توجیه است؟ بزرگترین مانع پذیرش فایده‌گرایی تصور رایج از عدالت است؛ تصوری که طبیعی می‌نماید.

۵/۲ آیا عادلانه یا ناعادلانه بودن یک عمل چیز ویژه‌ای است که ذات خاص خود را دارد، و از سایر کیفیات آن عمل متمایز و مستقل است، یا این که صرفاً ترکیبی از بعضی از همان کیفیات است، که در وجه خاصی جلوه‌گر شده است؛ مردم به دشواری می‌توانند در عدالت، چنان‌که فایده‌انگاری مدعی است، فقط شکل یا شاخه خاصی از فایده عمومی را ببینند، و می‌پندازند که نیروی الزام‌گر برتر آن مستلزم مبنای به کلی متفاوتی است.

۵/۳ آیا اصلاً کیفیتی وجود دارد که به صورت مشترک به تمامی الگوهای رفتاری که موسوم به بی‌عدالتی است منسوب شود، و آن‌ها را از الگوهای رفتاری دیگری که بد هستند اما ناعادلانه نیستند، متمایز کند؟

بندهای ۴-۱۰ از فصل پنجم

در گشادگی عدالت

۴/۴ احساساتی که ما نسبت به رویدادهایی در خود می‌یابیم و از آن با تعابیر عدالت یا بی‌عدالتی یاد می‌کنیم گونه‌گونی گسترهای را به نمایش می‌گذارند.

۴/۵ در اولین کاربرد، عادلانه عبارت است از رعایت و ناعادلانه عبارت است از تجاوز به حقوق قانونی افراد.

۴/۶ دومین کاربرد واژه عدالت ناظر به رفتاری است که حق اخلاقی است اگرچه قانون آنرا به رسمیت نشناخته است.

۴/۷ سومین کاربرد می‌گوید عدالت اقتضا می‌کند هر کسی هر چیزی (اعم از خیر یا شر) را